

پیام عبدالله اوجالان به مناسبت ۸ مارس ۲۰۲۵

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

امروز چهارم آوریل، روز تولد عبدالله اوجالان (آپو) است بی تردید همه انسان‌های آزاداندیش، چپ، کمونیست، آنارشویست و زنان و دختران و جوانان آزادی‌خواه و برابری‌طلب که همواره دل‌شان برای آزادی می‌تپد این روز را به‌مثابه روز تولد خود می‌بینند و صمیمانه تبریک می‌گویند. مهم‌تر از همه، با تمام قدرت خواهان آزادی وی از زندان می‌شوند. من هم ابتدا این روز را به آقای اوجالان و طرفدارانش تبریک می‌گویم؛ هم‌چنین به همه مبارزان راه‌رهایی که اوجالان را به‌عنوان الگویی در مبارزه و مقاومت و چاره‌اندیش و راه‌گشا می‌بینند. الگویی که بیش از ۱۲ سال است در روژآوا (کردستان سوریه)، تحت عنوان کنفدرالیسم دموکراتیک و یا خودمدیریتی دموکراتیک معروف و تجربه شده است. بی‌تردید قاطعانه می‌توانیم بگوییم کومه‌له-سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)، دو جریان کرد چپ ایرانی و ترکیه‌ای بودند که به مبارزه زنان اهمیت دادند و در صفوف خود زن و مرد را به‌طور مساوی سازمان‌دهی نمودند.

پیام عبدالله اوجالان به مناسبت ۸ مارس ۲۰۲۵

«اصل بنیادین من، زیستن شگفت‌انگیز همراه با شماست! می‌دانم که در سرزمینی که زن را زنده نگه می‌دارد، حقیقت انسان را با تمام عریانی‌اش تجربه می‌کنید. این زیستن پرارزش که هرگز از آن چشم‌پوشیده‌ام، برای من به اصل بنیادین زندگی تبدیل شده است. اما این بار، حقیقت باشکوه و آزاد، هم‌چون نخستین‌های دیگر بین‌النهرین، شاید برای اولین بار تحقق یافته است. مسئله آزادی زنان هم‌چنان از اهمیت بالایی برخوردار است. فرایند کمونالیسم دموکراتیک، شکل به‌روزشده‌ی جامعه‌پذیری زن-محور است و تنها از این مسیر می‌توان به حقیقت اجتماعی دست یافت. تا زمانی که فرهنگ تجاوز از میان نرود، حقیقت اجتماعی در عرصه‌های فلسفه، علم، زیبایی‌شناسی، اخلاق و دین نمایان نخواهد شد. همان‌گونه که مارکسیسم نیز ثابت کرده است، در دوره‌ی جدید، اگر فرهنگ مردسالاری که در عمق جامعه ریشه دوانده است، نابود نشود، موفقیت سوسیالیسم نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. راه رسیدن به سوسیالیسم از آزادی زنان می‌گذرد. بدون آزادی زنان، نه سوسیالیسمی در کار خواهد بود و نه کسی می‌تواند سوسیالیست باشد. بدون دموکراسی، رسیدن به سوسیالیسم ممکن نیست. نخستین آزمون من با سوسیالیسم این بود که بدانم چگونه باید با یک زن سخن گفت. کسی که نمی‌داند چگونه باید با یک زن سخن بگوید، نمی‌تواند سوسیالیست باشد. سوسیالیست بودن یک مرد، در نوع رابطه‌ای که با زنان برقرار می‌کند، معنا پیدا می‌کند.

«قدسیت»، به زن تعلق دارد. زن، خود جهان است و مرد، انحرافی از او، سیاره‌ای سرگردان است. نخستین کسی که برای سخن گفتن با کودک، زبان را آفرید، زن بود. فرهنگ را نیز زن آفرید. جامعه را زن به‌وجود آورد. قدسیت و الوهیت به او تعلق دارد.

برای زنان، ایدئولوژی چهارلایه‌ای رهایی‌بخش زنان را توسعه دادم. این، یک نظریه است. فرهنگ زن-مادر، دوران ایزدبانوان، بین ۱۰,۰۰۰ تا ۴,۰۰۰ پیش از میلاد را دربرمی‌گیرد. ادیان یکتاپرست با بابل آغاز شدند. حماسه‌ی بابل، حماسه‌ی به‌بندکشیدن زن است. اسطوره آفرینش بابل، یکی از ستون‌های اساسی اسطوره‌شناسی بین‌النهرین است. در فاصله‌ی ۴,۰۰۰ تا ۲,۰۰۰ پیش از میلاد، فرهنگ زنانه رو به زوال گذاشت. پس از فروپاشی فرهنگ زن-مادر، همراه با میتانی‌ها، مفهوم "زن درباری" پدید آمد. نفریتی نیز یک زن درباری بود. زنان درباری آن دوران، به تدریج به زنان خانه‌نشین امروزی تبدیل شدند.

فرهنگ و سنت «ساتی» را که می‌شناسید؛ در این سنت، زنان به درون آتش افکنده شده و سوزانده می‌شدند. آخرین مورد ثبت‌شده‌ی این رسم، در سال ۱۸۳۲ رخ داد و انگلیسی‌ها به این سنت پایان دادند.

تولد دوباره اهمیت دارد. زن نباید صرفاً از منظر زیست‌شناختی، بلکه باید از نظر اجتماعی، فرهنگی و تاریخی مورد بررسی قرار گیرد. همان‌گونه که سیمون دو بووار گفته است: «زن زاده نمی‌شود، بلکه زن می‌شود.» من مخالف ازدواج و عشق نیستم، اما هر روز به نام عشق جنایات هولناکی رخ می‌دهد. آیا ممکن است انسانی کسی را که عاشقش است، به قتل برساند؟ این، عشق نیست. می‌دانیم که بسیاری از زنان به دلیل چنین روابطی دست به خودکشی زده‌اند. اما در مقابل، فرهنگ "زن آزاد" نیز وجود دارد، فرهنگی که شما اکنون به آن نزدیک شده‌اید. زنان در تلاش‌اند از نقش‌های سنتی مادری و همسری عبور کنند. با این حال، شما هنوز تنها با ده درصد از فرهنگ آزادی پیش می‌روید.

نبرد اصلی، جنگیدن با این ذهنیت است. ساختار جامعه مردسالار مشکلات بسیاری را برای زنان به وجود آورده است: خشونت، استثمار، زنای با محارم، تجاوز؛ دختران در معرض قتل قرار دارند. اما فردا که کودکان نیز به قتل برسند، چه

خواهید کرد؟ وقتی از فرهنگ ساتی صحبت می‌کنم، منظورم همین است. باید با این فرهنگ و این ذهنیت مبارزه کنید. شما با چنین زخم‌هایی روبرو هستید. باید از این زخم‌ها پاک شوید. مسئله زنان، مسأله‌ای عمیق‌تر از مسأله کوردها است. ما تنها آغاز کوچکی از این مبارزه را شروع کرده‌ایم. فرهنگ جنگ و درگیری در ابتدا به سمت زنان معطوف است. مبارزه برای کاهش این فرهنگ حتی به میزان اندک، دیناموی این مبارزه است. روحیه عصر، سیاست دموکراتیک است و زنان آن زبان صلح است. فراخوان صلح و جامعه دموکراتیک هم‌زمان یک رنسانس برای زنان است. من زنان را که به زندگی مشترک ایمان دارند، با عشق مم و زین و درویش عبدی درود می‌فرستم و روز جهانی زنان کارگر را تبریک می‌گویم.»

با سلام و محبت‌های بی‌پایان
عبدالله اوجالان ۲۰ اسفند ۱۴۰۳



عبدالله اوجالان در سال ۱۹۸۰ از ترکیه خارج و به کشور سوریه پناهنده شد. او در آن‌جا از تنش‌های میان سوریه و ترکیه و نیز نزدیکی حکومت سوریه به شوروی استفاده کرد. وی از جمله به فعالیت سیاسی در میان کردهای سوریه پرداخت.

با افزایش تنش میان دو حکومت ترکیه و سوریه، تهدید ترکیه مبنی بر حمله به خاک سوریه، منازعه بر سد حقابه سوریه در پی آبیگری سد آتاترک و نهایتاً امضای توافق‌نامه آدانا، عبدالله اوجالان نیز در روز ۹ اکتبر ۱۹۹۸ از سوریه اخراج شد. عبدالله اوجالان در سال ۱۹۸۰ از ترکیه خارج و به کشور سوریه پناهنده شد. او در آن‌جا از تنش‌های میان سوریه و ترکیه و نیز نزدیکی حکومت سوریه به شوروی استفاده کرد. وی از جمله به فعالیت سیاسی در میان کردهای سوریه پرداخت.

با افزایش تنش میان دو حکومت ترکیه و سوریه، تهدید ترکیه مبنی بر حمله به خاک سوریه، منازعه بر سد حقابه سوریه در پی آبیگری سد آتاترک و نهایتاً امضای توافق‌نامه آدانا، عبدالله اوجالان نیز در روز ۹ اکتبر ۱۹۹۸ از سوریه اخراج شد. وی ابتدا به روسیه رفت و تلاش کرد با حکومت این کشور ارتباط برقرار کند. نمایندگان مجلس دوما روسیه طرحی را تصویب کردند که از یلتسین می‌خواست به اوجالان پناهندگی اعطا شود، اما دولت یلتسین که با ترکیه بر سر حمایت آن کشور از سازمان‌های جدایی‌طلب اسلام‌گرای چچن در تنش بود به استناد توافق‌نامه‌ای که این دو کشور در سال ۱۹۹۵ با یکدیگر مبنی بر دست کشیدن متقابل از حمایت از سازمان‌های کرد و چچنی امضاء کرده بودند، از اعطای پناهندگی به اوجالان سر باز زد.

عبدالله اوجالان سپس ناگزیر از ترک روسیه و عزیمت پنهانی به کشورهای دیگری برای کسب پناهندگی شد. او به ایتالیا و سپس به یونان رفت و در هر دو کشور درخواست پناهندگی او مورد پذیرش قرار نگرفت. اوجالان سرانجام به ناپرویی رفت و در محل اقامت سفیر یونان در کنیا مستقر شد.

سرانجام اوجالان سفارت یونان در کنیا را به همراه وکیلان خود و چند مقام کنیایی به قصد فرودگاه ناپرویی جهت سفر به یک کشور آفریقایی دیگر ترک می‌کند. اما اتومبیل وی در مسیر ناپدید شده و در روز دوشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۷۷-۱۵ فوریه ۱۹۹۹، در یک عملیات هوایی در ناپرویی توسط سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه (میت) با کمک سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل (موساد)، ربوده شد و یک روز بعد بولنت اجویت نخست‌وزیر وقت ترکیه خبر دستگیری و انتقال وی به ترکیه را به رسانه‌ها داد.

وی پس از دستگیری به اتهام «جنگ مسلحانه و قتل هزاران نفر»، محاکمه و به اعدام محکوم شد اما ترکیه به دلیل انتقادات گسترده و تلاش‌هایی که برای عضویت در اتحادیه اروپایی دارد از اعدام وی خودداری کرد و به حبس ابد وی در

زندان جزیره امرالی بسنده کرد. در عین حال دادگاه حقوق بشر اروپا در سال ۱۳۸۴ و پس از شکایت وکلای اوجالان، محاکمه وی را دارای ایرادات مختلف و غیرمنصفانه اعلام کرد. وجود قاضی ارتشی در دادگاه، عدم دسترسی وی به پرونده خود، حبس قبل از محاکمه و صدور حکم اعدام را از موارد غیر منصفانه بودن دادگاه دانست.



یک نمونه تاریخی از ترورهای دولت ترکیه در خارج کشور

در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۱۳ میلادی پلیس فرانسه اجساد ۳ زن به نام‌های سکینه جانسیز، فیدن دوغان و لیلا سویلمز را در خانه‌ای در محله لافایت پاریس کشف کرد که هر سه از فعالان رسانه‌ای گرد در این کشور بودند. طبق تحقیقات پلیس فرانسه، عمر گونی راننده سکینه جانسیز و از اعضای پ ک ک مسئول قتل این افراد به دستور کادر رهبری این گروهک بوده است.

کثیره یلدریم با نام سازمانی فاطمه، متولد شهر الازیغ ترکیه و از رهبران زن عضو پ ک ک بود که مجبور به ازدواج سازمانی با عبدالله اوجالان و ورود به حرمسرای شخصی و پرتعداد وی شد که بعدها از سازمان جدا شده و در اروپا مستقر شد.

عبدالله اوجالان خالق شعار «زن، زندگی، آزادی» است. زن‌شناسی زنان و ژنولوژی یکی از اصول اصلی فلسفه اوجالان است، وی برای بازسازی و احیای زیست و زندگی مستقل و آزاد زنان فعالیت می‌کند. اولین بار نیست که بحث بر سر آزادی زنان در جهان صورت می‌گیرد چرا که دست‌کم این بحث در مبحث سوسیالیسم، این علم رهایی بشر که بینان‌گذار آن مارکس است بحثی دایمی و پیگیر بوده از جمله هشت مارس روز جهانی زن محصول همین مبارزه تاریخی و طولانی است. بحث اوجالان درباره زنان، بیش از یک دهه است که در روزاوا (کردستان) سوریه به خوبی تجربه شده و نتایج و دستاوردهای بسیار بزرگ و مثبت، حتی برای مردم خاورمیانه دارد.



سکینه جانسز، متولد سال ۱۹۸۵ در خانواده‌ای کرد علوی در منطقه کوهستانی درسیم است. این منطقه در سال ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ شاهد قیام سید رضا درسیمی بود که دولت با استفاده از شدیدترین و خشونت‌بارترین شیوه‌ها آن را سرکوب نمود. مقامات دولتی ترکیه تحمل نام آن‌جا را نداشته و آن را به تونجلی تغییر دادند. در دهه هفتاد میلادی، این منطقه

به مرکز مهمی برای کار، فعالیت و حتی مبارزه مسلحانه جنبش چپ تبدیل می‌شود. سکینه جانسز در چنین فضایی با احساس و درک ظلم و ستم موجود به جنبش چپ و فعالیت‌های انقلابی روی می‌آورد و در سال ۱۹۷۱ به جنبش جوانان انقلابی می‌پیوندد. سکینه، در دوران جوانی‌اش در اوایل دهه ۱۹۷۰، در فعالیت‌های انقلابی شرکت می‌کند اما این کارخوشایند خانواده سنتی و محافظ‌کارش نبود. او تصمیم می‌گیرد به آنکارا برود، جایی که او برای اولین بار با عبدالله اوجالان ملاقات می‌کند و از نزدیک با ایده‌های او آشنا شده و تصمیم به همکاری با وی می‌گیرد. سکینه در یک مصاحبه، در باره این دوره می‌گوید: «در واقع من فشار خانواده را قبول نکردم و بر انقلابی‌گری اصرار داشتم. این دلیلی بود که مجبور شدم خانواده را ترک کرده و به آنکارا بروم.» کم‌آپوچی‌ها کمیته‌هایی درست می‌کنند و به سازمان‌دهی جوانان می‌پردازند. جانسز در قالب این کمیته‌ها در درسیم و مناطق اطراف به سازمان‌دهی مشغول می‌شود تا این‌که آن‌ها به این نتیجه‌سند که بهتر است در قالب یک حزب به مبارزه ادامه دهند.

سکینه جانسز در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸، در نخستین کنگره بنیان‌گذاری حزب کارگران کردستان (Partiya Karkerên Kurdistanê) مشهور به پ.ک.ک در روستایی نزدیک دیاربکر همراه «کسیره یلدیریم»، تنها دو عضو زنی بودند که در تاسیس این حزب شرکت داشتند.

گاردین درباره زندانی شدن جانسز می‌نویسد: «در زمان کودتای نظامی سپتامبر ۱۹۸۰ ترکیه، او همراه تعداد زیادی از اعضای پ.ک.ک زندانی بود و سال‌های زیادی را در زندان دیاربکر گذراند. جایی که ۳۴ نفر از زندانیان میان سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹ بر اثر شکنجه جان خود را از دست دادند و صدها نفر بعد از زندان نیز سال‌ها از شدت جراحات رنج می‌بردند. بر اساس گفته‌های اعضای پ.ک.ک و زندانیان پیشین نحوه رفتار با زندانیان سیاسی یکی از دلایل مهم روی آوردن حزب به رادیکالیسم و مبارزه مسلحانه با دولت ترکیه بود. جانسز در داخل زندان جنبش اعتراضی کردها در بیرون از زندان را رهبری می‌کرد.»

کندال نزان رییس انستیتوی کرد در پاریس به شبکه خبری فرانس ۲۴ گفته است: «... خیلی دشوار و سخت است. سکینه جانسز بارها مورد شکنجه قرار گرفت اما او به‌عنوان کسی که بسیار شجاع بود، مورد تحسین همه زندانیان و حتی زندانبانان بود.»

سکینه جانسز در سال ۱۹۹۱، مدت زندانش به پایان می‌رسد. بعد از آزادی از زندان خود را به محل کمپ پ.ک.ک، در دره بقاع لبنان که آن‌زمان تحت کنترل سوریه بود، می‌رساند. در آن‌جا نیز به فعالیت ادامه می‌دهد. او با شجاعت کم نظیرش در آن‌جا نیز توجهات را به‌سوی خود جلب می‌کند. اسم‌گد او «سارا» بود.

آیزیا مارکوس در کتابی که درباره پ.ک.ک نوشته است درباره جانسز می‌نویسد: «او شروع به سازمان‌دهی جنبش زنان در داخل سازمان نمود. در سال ۱۹۹۳ یک سوم از نیروهای پ.ک.ک زن بودند.»

در سال ۱۹۹۳، هم‌زمان با به اوج رسیدن قدرت پ.ک.ک سکینه جانسز موفق می‌شود شاخه زنان پ.ک.ک را به اسم «انجمن عالی زنان» (Koma Jinen Bilind (KJB) ایجاد نماید. بی‌بی‌سی در این‌باره می‌نویسد: «یک حزب ویژه زنان هم (داخل پ.ک.ک) وجود دارد که شاخه نظامی خود را دارد.»

«ک.ژ.ب» شامل یک سازمان چترآسای مخصوص زنان است که سه سازمان دیگر در آن فعال هستند. اتحادیه زنان آزاد (ی ژ آ)، اتحادیه زنان مبارز (ی ژ استار) و حزب آزادی زنان کردستان (پ آ ژک).

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی کرد در زندان‌های ترکیه در سال ۲۰۱۲ که ۶۸ روز ادامه داشت، با ابتکار عمل زندانیان سیاسی زن و مخصوصاً زندانبان «پ آ ژک» صورت گرفت.

محمد علی ارتاش فعال و روزنامه‌نگار کرد به گاردین می‌گوید: «جانسز از برجسته‌ترین و مهم‌ترین نماینده‌گان جنبش زنان کرد بود. او از حرف زدن مخصوصاً زمانی که مسائل زنان مطرح بود، ابایی نداشت.»

سکینه جانسز در لبنان، سوریه، فلسطین و کردستان - سوریه فعالیت نمود و بعد از آن به قندیل می‌رود.

جانسز با اوجالان و مراد کارایلان رهبر عملی پ.ک.ک در حال حاضر، رابطه نزدیکی داشت. او بعد از این‌که مدتی در قندیل می‌ماند به توصیه کارایلان برای سازمان‌دهی کارهای حزب و شاخه زنان به اروپا می‌رود و در سال ۱۹۹۸ از فرانسه پناهنده‌گی سیاسی دریافت می‌کند.

سرانجام سکینه جانسز، سرانجام در تاریخ ۲۰۱۳/۰۱/۰۹ در دفتر مرکز اطلاع‌رسانی کرد در پاریس، به همراه فیدان دوغان و لیلیا شیلیمز، با شلیک ۱۲ گلوله به سر آن‌ها ترور می‌شوند. بعد از حادثه ترور «فرانسوا اولاند» رییس‌جمهور فرانسه در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت: «حادثه وحشتناکی بود، متأسفم. من یکی از آن زنان را به خوبی می‌شناسم. او برای گفت‌وگو در باره کردها هرچند وقت یک‌بار پیش ما می‌آمد.»

در هر صورت خیلی زود روشن شد که فرد تروریست از سوی «میت» (پلیس مخفی ترکیه) مامور این ترور شده بود اما تا به امروز دولت فرانسه اقدام جدی علیه دولت ترکیه انجام نداد تا این‌که امسال هم باز هم شاهد ترور دیگری علیه فعالین کرد در فرانسه بودیم.

دلیل تاکید به نقش و مبارزه جانسز در این‌جا، این است که نشان دهم پ.ک.ک و شخص اوجالان در سازمان‌دهی زنان در همه عرصه‌های تشکیلاتی و سیاسی در منطقه خاورمیانه پیشگام بوده است.



همان‌گونه که می‌دانید «آپو» در روز ۲۷ فوریه امسال فراخوانی داد، با هیات دم پارتی ملاقات کرد و در سومین ملاقات خود فراخوان صلح و جامعه دمکراتیک را داد. پس از این فراخوان، هم افکار عمومی و هم جنبش آزادی منتظر این بودند که ملاقات‌ها با آپو به صورت دائمی ادامه داشته و موانعی ایجاد نشود. اما چنین نیست و هنوز به وکلایش اجازه ندادند که با وی ملاقات کنند.

میلیون‌ها نفر به خصوص در ۸ مارس و نوروز ازپایم اپور استقبال کردند. آنان این فراخوان را راهی برای جست‌وجو و مبارزه می‌بینند تا یک جامعه دمکراتیک را با قدرت مردمی بنا کنند. اما پس از این فراخوان باز هم گام‌های سرکوبگری از سوی دولت دیکتاتوری اردوغان، به‌ویژه با زندانی کردن اکرم امام اوغلو شهردار استانبول از سوی دولت برداشته شد. اما جنبش آزادی‌خواه و برابری‌طلب کرد نه تنها در ترکیه، بلکه در همه خاورمیانه به راه رهایی‌بخش خود ادامه می‌دهند و مرعوب هیچ حکومتی نشده‌اند.

این حق و حقوق مسلم آپو است که هبا خانواده و وکلا و هم‌چنین روزنامه‌نگاران ملاقات داشته باشد. اکنون بزرگ‌ترین سؤال این است که چرا علیه آپو این‌چنین انزوایی سنگین تحمیل می‌شود؟ وی ۲۷ سال است که در آن‌جا زندانی است. به این ترتیب، هنوز تغییری در وضعیت و زندان و ملاقات آپو ایجاد نشده است. هنوز درهای امرالی بسته هستند و...
جمعه پانزدهم فرودین ۱۴۰۴ - چهارم آوریل ۲۰۲۵